

آب بی حسین تشنه ماند/ ۵

مقدمه:

از حسین نوشتن را بگذار همانها بنویسند که با خونشان بر تارک تاریخ نوشتند:

«خون بر شمشیر پیروز است»

و هر چه خورشیدِ زمان، بر این خطِ تابید، تابشی افزون یافت، آنقدر افزون که حسین و عاشورا و کربلا شد میزان، میزانی که در هر محرم، هر انسانی، تلاش کمالی خویش را در طول یک سال، با معرفت تازه ای که در دلدادگی پیدا نموده است محک می زند.

آب بی حسین تشنه ماند/۶

و اگر این معرفت تازه نشود و قلب و اندیشه عروجی دیگر نگیرد، باید انسان به حال زار خویش آنچنان افسوس خورد که زیستن را بی معنا کند و حیات را پشمرده بداند و مرگ در سیاهی را انتظار کشد.

آنچه پیش روی شماست مشق عشقی است نه از سر تفنن، و نه از سر دلدادگی، که دعائی است به آستان ربوبی که:

«الها! عاشقم کن! عاشقم کن!»

که بی عشق حسین، نه سیب عطر دارد و نه حور دل می رباید.

آب بی حسین تشنه ماند/۷

۱. آب بی حسین تشنه ماند.
۲. آدمهای از جنس حسین، بی حسین، دیگر نماندند.
۳. اشکِ بر حسین، ماقمِ بر خود است.
۴. اشکِ حسینی، شورترین سرشک.

آب بی حسین تشنه ماند/ ۸

۵. اصحاب، اگر عمر جاوید می داشتند باز فدائیش بودند.
۶. اصغر مثل پدر، شش ماه در رحم دنیا ماند.
۷. اکبر حسین، که رفت، حسین رفتن را آغاز کرد.
۸. اگر اشک نبود، در اندوه حسین، دل تا آخر می سوخت.

آب بی حسین تشنه ماند/۹

۹. اگر حسین نبود، چه بود؟!
۱۰. اگر عباس زنده می بود، شرم او را می کشت.
۱۱. امیری حسین، نِعَمَ الامیر.
۱۲. آنقدر حسین بی کس شد که بی سر شد.

آب بی حسین تشنه ماند/۱۰

۱۳. آنگونه امام بر تو تکیه کند که بی تو بگوید: کمرم بشکست.

۱۴. آیا کسی هست خود را یاری کند؟!

۱۵. ایمان بی حسین، اسلام هم نیست.

۱۶. اینبار نیز قرآن را بر نیزه کردند.

آب بی حسین تشنه ماند/۱۱

۱۷. با حسین قاموس عشق، بیکران واژه یافت.

۱۸. با حسین هر اصغری اکبر شد.

۱۹. بر دهانش چوب زدند و شراب ریختند و او قرآن میخواند.

۲۰. برادر حسین، تشنه بر دار رفت.

آب بی حسین تشنه ماند/۱۲

۲۱. برادر یعنی عباس.
۲۲. برای سروری، سر باید داد.
۲۳. بی اندوه حسین، هیچ سروری پایدار نیست.
۲۴. بی حسین، حس بودن نیست.

آب بی حسین تشنه ماند/۱۳

۲۵. بی عشق حسین، هیچ انسانی تکریم نشد.
۲۶. بی کرب و بلا، بکر بلا هیچ کس نرسید.
۲۷. پیامبر انگار گفته بود: تا می توانید آزار دهید!.
۲۸. تنهای تنها شده!، فرجام حسینی بودن است.

۲۹. جانِ عقلِ راءِ شمرِ نفسِ گرفت.
۳۰. جز حسین، همه لافِ عشق زدند.
۳۱. جَوْن، نماینده ما در کربلا.
۳۲. حرّ، نامی که در کربلا معنی گرفت.

آب بی حسین تشنه ماند/۱۵

۳۳. حرف حسین: اشک بر مظلوم، خشم بر ظالم.

۳۴. حسین همچنان کشته می شود!

۳۵. حسین آنگونه رفت تا تو نیز آنگونه روی.

۳۶. حسین بی زینب، قرآن صامت بود.

آب بی حسین تشنه ماند/۱۶

۳۷. حسین تا آنجا بالا رفت که، تا، بر نمی داشت.

۳۸. حسین تشنه رفت تا تو سیراب شوی.

۳۹. حسین خال آفرینش، یزید خِطِ خلقت.

۴۰. حسین خونِ دل داد، زینب خونِ دل خورد.

آب بی حسین تشنه ماند/ ۱۷

۴۱. حسین در قتلگاه آب خواست تا بگوید: دشمنم انسان نیست.

۴۲. حسین را در ساحل رود، تشنه کشتند.

۴۳. حسین را کشتند، تا رسالت بی مزد نماند!!.

۴۴. حسین که بی عباس برگشت، بعد رفت، و دیگر برگشت.

آب بی حسین تشنه ماند/ ۱۸

۴۵. حسین نبود، بودن بود.
۴۶. حسین، معنای زنده بدون را زنده کرد.
۴۷. حسینیان جان دادند و یزیدیان جان کردند.
۴۸. حمد خدای را که مصیبت زده حسینمان کرد.

آب بی حسین تشنه ماند/۱۹

۴۹. خاکِ کربلا، خاکی ترین خاک.

۵۰. خدا بهشتِ خدائیان را از خاک کربلا می سازد.

۵۱. دانا! از حسین چه می دانی؟!

۵۲. در خرابه، پدر سر بر دامن دختر گذاشت.

آب بی حسین تشنه ماند/۲۰

۵۳. در دجله، آلاله ها تشنه ماندند.

۵۴. در طفّ، دلها، تفتیده گشت.

۵۵. در عاشورا هم نماز، بهترین کار بود.

۵۶. در عاشورا، همه اوجها شکوفا شد.

۵۷. در غروب عاشورا، خورشید، چه صبورانه خون گریست.

۵۸. در کربلا، سرو عشق تا ابد سیراب شد.

۵۹. در کربلا، کار بالا گرفت.

۶۰. در مسلخ، گونه های حسین گل انداخته بود.

آب بی حسین تشنه ماند/۲۲

۶۱. در نینوی، نی، بی نوا شد.
۶۲. رقیه، گنج خرابه شد.
۶۳. زینب، در آخرین منزل حسین، سر بر خاک گذاشت.
۶۴. ستاره ها در شام، خرابه را آسمان کردند.

آب بی حسین تشنه ماند/۲۳

۶۵. سر حسین بر دامن مادرش بریده شد.

۶۶. سر حسین هنوز سنگ می خورد.

۶۷. سر چشمه کوثر، اشک بر حسین است.

۶۸. سردار آن است که سرش بر دار است.

۶۹. سید شهیدان شهادت داد که قاتلم، حیوان نیز نیست.

۷۰. شام، شومترین جای زمین.

۷۱. شام، همچنان شام است و تاریک.

۷۲. عاشورا روز نبود روزگار بود.

آب بی حسین تشنه ماند/۲۵

۷۳. عاشورا: شعور، حماسه، عشق.
۷۴. عاشورا، پرشورترین عیش بود.
۷۵. عاشورا، زینتِ زینب شد.
۷۶. عاشورا، سکوتِ عقل است و فریادِ عشق.

آب بی حسین تشنه ماند/۲۶

۷۷. عباس، عبوس بر ستمکاری.

۷۸. عباس، فلسفه بودنش را فدای حسین کرد!

۷۹. عباس، ماه بنی آدم.

۸۰. علی فرزند حسین تا زنده بود گریست.

۸۱. غروب، آینه خون خداست.
۸۲. غنچه عشق، در کربلا باز شد.
۸۳. قاسم، شهد شهادت مکید و کندوی عشق را عسل بخشید.
۸۴. کاف، کربلا، «هیعیص»، همه آنچه هست و نیست.

۸۵. کربلا صبورترین سرزمین.
۸۶. کوفه گریست و شام خندید و هر دو تنها تماشا کردند.
۸۷. گودی قتلگاه، برج فلک الافلاک است.
۸۸. لعن بر یزید، خشم بر همه زشتیهاست.

۸۹. الله اكبر، اكبر را هديه حسين كرد.
۹۰. ما أنقصَ ذكرُ الحسينِ للعيشِ.
۹۱. ما را شفیع باش در «یوم الورد»، آنروز که فقط می آیند.
۹۲. محرم ماه نبود خورشید بود.

۹۳. الها! از اشک بر ماتمش، نهال عشق را سیراب کن!
۹۴. هر کس از کربلا رفت یا به عمق دوزخ رفت یا بر بام بهشت.
۹۵. هیچ کس جز بر خویش، ستم نکرد.
۹۶. وفا یعنی ریختن آب بر آب!.

آب بی حسین تشنه ماند/۳۱

۹۷. وقتی تشنه می شوی بگو: سلام بر حسین!.

۹۸. یاران حسین یا با خون رفتند یا با اشک.

۹۹. یزید نبود، نبودن بود.

۱۰۰. بر حسین تنها باید گریست، قلم بشکن! لب فرو بند!

آب بی حسین تشنه ماند/۳۲

آب بی حسین تشنه ماند / ۳۳

فهرست:

اشک: ۳، ۴، ۸، ۲۳، ۶۷، ۹۳، ۱۰۰.

اصحاب امام: ۲، ۵، ۹۸.

امام حسین (علیه السلام): ۱، ۹، ۱۱، ۱۲، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۹، ۲۲، ۲۴، ۲۵، ۳۰، ۳۷، ۳۸، ۴۵، ۵۱، ۶۰، ۶۵، ۹۰.

امام سجاد (علیه السلام): ۸۰.

پیام امام: ۳۳، ۳۵، ۴۱، ۴۶، ۵۵، ۵۸، ۶۷، ۶۹، ۹۵.

تشنگی: ۴۱، ۴۲، ۵۳، ۵۴، ۹۷.

جناب جون: ۳۱.

جناب حر: ۳۲.

آب بی حسین تشنه ماند/۳۴

حضرت علی اکبر (علیه السلام): ۷، ۸۹.

حضرت عباس (علیه السلام): ۱۰، ۱۳، ۲۰، ۴۴، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۹۶.

حضرت زینب (علیها السلام): ۳۶، ۴۰، ۶۳، ۷۵.

حضرت قاسم (علیه السلام): ۸۳.

حضرت علی اصغر (علیه السلام): ۶، ۱۸.

حضرت رقیه (علیها السلام): ۵۲، ۶۲.

خرابه شام: ۶۴.

شام: ۷۰، ۷۱، ۸۶.

شفاعت: ۹۱.

شمر: ۲۹.

آب بی حسین تشنه ماند/۳۵

عاشورا: ۵۶، ۵۷، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶.

غروب: ۸۱.

کربلا: ۲۶، ۴۹، ۵۰، ۵۹، ۶۱، ۸۲، ۸۴، ۸۵، ۹۴.

کوفه: ۸۶.

گودی قتلگاه: ۸۷.

محرم: ۹۲.

مصائب: ۲۷، ۴۳، ۴۸.

یاری امام: ۱۴، ۱۳، ۲۸، ۳۴، ۶۵.

یزید: ۳۹، ۴۷، ۸۸، ۹۹.